

## ورود بهزیستی به ماجرای ربوده شدن پسر اوتیسمی

**گروه حوادث /** پرونده ربوده شدن و آزار پسر جوان مبتلا به اوتیسم با ورود دفتر حقوقی بهزیستی به این ماجرا وارد مرحله تازه‌ای از تحقیقات شد. یوسف رضایی، معاون امور توانبخشی بهزیستی استان تهران با اشاره به اینکه این جوان از افراد تحت پوشش سازمان است در این باره به ایسنا گفت: باتوجه به اینکه سازمان بهزیستی متولی امور افراد دارای معلولیت است، دفتر حقوقی بهزیستی استان از طریق مراجع قضایی در حال پیگیری قانونی است. وی در ادامه گفت: آنچه در خصوص شرح حال و وضعیت این جوان در رسانه‌ها مطرح شده صحت دارد، اما علت اینکه این جوان مبتلا به اوتیسم در خیابان مولوی رها شده است هنوز برای ما جای سؤال دارد. خانواده‌اش عنوان کرده‌اند که فرزندشان را برای تفریح برده‌اند، اما برای سازمان این سؤال پیش آمده که جوان مبتلا به اوتیسم را چرا باید برای تفریح به خیابان مولوی برد؟ همکاران ما در حال پیگیری هستند.

معاون امور توانبخشی بهزیستی استان تهران افزود: سازمان به خاطر اتفاقی که برای فرزند این خانواده افتاده، از آنها دلجویی کرده، اگرچه باید خانواده زمانی که فرزند خود را به بیرون از خانه می‌برند مراقب او باشند اما با این حال بهزیستی از خانواده حمایت می‌کند. رضایی در پاسخ به این سؤال که بیمارستان در روز آخر بستری این پسر به سازمان بهزیستی نامه زده که چنین فرد مجهول الهویه‌ای در بیمارستان حضور دارد، آیا سازمان بهزیستی به دلیل این سهل‌انگاری از بیمارستان شکایت می‌کند، گفت: باتوجه به اینکه سازمان بهزیستی متولی امور افراد دارای معلولیت است، دفتر حقوقی بهزیستی نقش و مسئولیت اجتماعی بیمارستانی را که این جوان پس از وقوع حادثه در آنجا بستری بوده از مرجع قضایی پیگیری خواهد کرد.

روز شنبه ۱۲ شهریور مرد میانسال‌ی که همراه پسرش از خانه بیرون رفته بود مدعی شد که در راه بازگشت به خانه سوار یک موتورسیکلت مسافرین شدند، اما بین راه مرد موتورسوار پسر جوان را ربوده و یک روز بعد رهگذاران او را با بدنی زخمی و نیمه‌جان در خیابان پیدا کرده‌اند و به بیمارستان برده‌اند.

## قاچاق خانوادگی تریاک

**گروه حوادث /** زوج جوان که به همراه کودک خردسالشان قصد انتقال یک و نیم کیلو تریاک را به کرچ داشتند از سوی پلیس دستگیر شدند. سرهنگ علی سلیم‌پور، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر البرز از دستگیری اعضای یک خانواده ۳ نفره و کشف یک و نیم کیلو تریاک خبر داد و گفت: این متهمان در پوشش سفر خانوادگی قصد انتقال مواد مخدر به شهر البرز را داشتند.

وی در تشریح ماجرا گفت: با دریافت گزارش مردمی مبنی بر اینکه فردی قصد دارد مقداری مواد مخدر از استان‌های جنوب شرقی خریداری و به شهر کرچ منتقل کند، بررسی موضوع در دستور کار مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر استان قرار گرفت. در ادامه تحقیقات مشخص شد که متهم با همکاری همسرش و به همراه داشتن کودک خردسال شان تحت پوشش مسافرت خانوادگی با یک دستگاه خودروی سواری پژو مواد مخدر را به شهر کرچ منتقل خواهد کرد.

سرهنگ سلیم‌پور با بیان اینکه نتیجه تحقیقات انجام شده در اختیار مقام قضایی قرار گرفت و دستور دستگیری و جلب متهمان صادر شد، افزود: پس از کنترل محورهای مواصلاتی به شهر کرچ، خودروی متهمان قبل از ورودی شهر در ابتدای جاده کرچ-چالوس شناسایی شد و مأموران این پلیس موفق به توقف خودرو و دستگیری اعضای این خانواده قاچاقچی شدند. در بازرسی از خودروی متهمان یک و نیم کیلوگرم تریاک کشف شد. متهمان به مقر پلیس منتقل و پس از تکمیل پرونده برای سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.

## نجات ۵ ملوان از شناور غرق شده

**گروه حوادث /** فرماندار شهرستان دیر از آتش‌سوزی و غرق شدن لنج باری حامل کالای تجاری در منطقه مطاف خلیج فارس این شهرستان خبر داد. یونس باربرز در تشریح این حادثه گفت: این شناور که در مسیر امارات متحده عربی - بندر عامری استان بوشهر در حرکت بود به سبب اتصال برق، دچار حریق شد. وی با بیان اینکه پس از آتش‌سوزی شناور پایگاه دریایی بسیج شهید غلامی بندر بردخون به منطقه اعزام شد گفت: با تلاش بسیج دریایی بردخون، ۵ ملوان این شناور از مرگ حتمی نجات یافته و به ساحل منتقل شدند. شناور باری نیز به سبب آتش‌سوزی به‌صورت کامل در دریا غرق شد.

باربرز بر لزوم استقرار مرکز نجات دریایی در منطقه بردخون تأکید کرد و افزود: با توجه به حادثه‌خیز بودن منطقه دریایی مطاف در خلیج فارس لزوم استقرار مرکز امداد و نجات و شناور ناچی در منطقه بردخون شهرستان دیر از نیازهای اساسی است.

## ایجاد ترافیک

### برای سرعت تلفن همراه رانندگان

**گروه حوادث /** سارقی که با همدستی دو نفر دیگر و ایجاد ترافیک ساختمی در بزرگراه‌ها تلفن همراه رانندگان را سرقت می‌کرد دستگیر شد. سرهنگ «محمدقاسم طرهانی» جانشین رئیس پلیس پیشگیری تهران در تشریح این خبر بیان داشت: در پی افزایش سرقت تلفن همراه شهروندان در اتوبان «چمران» به روش موبایل فابی رسیدگی به موضوع و دستگیری سارقی با سارقان را تیمی از مأموران کلانتری یوسف آباد برعهده گرفتند و تحقیقات میدانی آغاز شد.

از آنجا که سرقت‌ها در یک شرایط یکسان اتفاق افتاده بود، تحقیقات پلیسی نشان از این داشت، ۳ سارق با استفاده از ۲ دستگاه موتورسیکلت به محل رفته و دو نفر از موتورسواران با ایجاد ترافیک صوری، شرایط مساعد برای برای راکب موتورسیکلت دیگر فراهم می‌کردند و با قایلیدن تلفن همراه شهروندان از داخل خودروها از محل متواری می‌شدند.

این مقام انتظامی به شناسایی چهره سارقان و مراقبت‌های ویژه پلیسی اشاره کرد و گفت: روز سه شنبه سارقان که برای سرقت به بزرگراه «چمران» رفته و در تلاش ارتکاب سرقت بودند، تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند و در یک عملیات غافلگیرانه یکی از راکبان موتورسیکلت دستگیر شد ولی راکب و سرنشین موتورسیکلت دیگر از محل متواری شدند.

منتهم ۳۲ ساله در تحقیقات اولیه به ۱۰ فقره سرقت تلفن همراه با همدستی ۲ متهم دیگر اعتراف کرد و تعدادی از مالباختگان شناسایی شدند.

سرهنگ طرهانی با اشاره به اینکه تحقیقات بیشتر برای کشف جرائم احتمالی متهم و دستگیری متهمان متواری در دستور کار قرار دارد، در پایان خاطر نشان کرد: متهم برای گرفتن دستور قضایی روانه دادرسی شد.

# محاکنه نامادری

## قتل پسر خوانده به اتهام



کشف جسد رسانند. صاحبخانه که مردی مسن بود به محض دیدن جسد گفت: این پسرم کوروش است که ۱۱ روز قبل ناپدید شده بود. پدر کوروش به مأموران گفت: چند سال قبل پس از فوت همسرم با زنی به نام نرگس ازدواج کردم و هر سه باهم در این خانه زندگی می‌کردیم تا اینکه ۱۱ روز پیش پسرم کوروش که دانشجوی حقوق بود، ناپدید شد و من هم با مراجعه به اداره پلیس از آنها کمک خواستم.

اما تحقیقات مأموران نشان می‌داد که مادر کوروش زنده است و پدر مقتول بعد از طلاق وی با زن دیگری ازدواج کرده و پس از فوت همسر دوشم هم برای سومین بار با نرگس ازدواج کرده است. بعد از آن نرگس مورد تحقیق قرار گرفت اما تناقض‌گویی او سبب شد تا بازرسی پرونده به وی و شوهرش مظنون شود و دستور بازداشت هر دو نفر آنها را صادر کند. در نهایت پس از ۱۰ روز نرگس به قتل کوروش اعتراف کرد و گفت: از زمانی که با پدر کوروش ازدواج کردم رابطه‌مان خوب نبود و کوروش مدام از من می‌خواست تا از پدرش جدا شوم اما من به خاطر پدرش همیشه گذشت می‌کردم. چند روز قبل به حمام رفته بودم و پس از آن متوجه شدم که کوروش از من فیلم گرفته است خیلی از این موضوع ناراحت بودم شب حادثه برای برداشتن گردو به طبقه‌ای که اتاق کوروش بود رفتم اما متوجه شدم او در حال دیدن همان فیلم است آنقدر عصبانی شدم که با یک میله آهنی ضربه‌ای به سرش زدم و بعد هم با چاقو او را کتختم.

وی افزود: پس از آن، جسد را به داخل حمام بردم. وقتی شوهرم به خانه آمد و سراغ پسرش را گرفت گفت نمی‌دانم کجا رفته یکی دو روز بعد شوهرم نگارش شد و به پلیس خبر داد. بعد از ۵ روز زمانی که شوهرم در خانه نبود جسد را از حمام بیرون آوردم و به حیاط بردم و داخل گونی قرار دادم و با کمک یک کارتن خواب جسد را به نزدیکی سطل آشغال انداختم و به خانه برگشتم.

پس از تکمیل تحقیقات و اعتراف صریح متهم پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. اما پیش از جلسه دادگاه پدر کوروش از قصاص همسرش گذشت کرد. در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده نماینده دادستان پس از قرائت کیفرخواست برای متهم درخواست اشد مجازات کرد. بعد از آن مادر مقتول به جایگاه رفت و گفت: از روزی که پسرم ناپدید شد چندبار با نرگس تماس گرفتم و پرسیدم پسرم کجاست اما او پاسخ درستی نمی‌داد. تا اینکه از طریق پلیس فهمیدم پسرم را کشته‌اند آنها به پلیس گفته بودند که من زنده نیستم اما حالا هم تحت هیچ شرایطی از خون پسرم نمی‌گذرم و درخواست قصاص دارم.

در ادامه وکیل شاکعی به جایگاه رفت و گفت: ما به پدر مقتول هم مشکوک هستیم. او طی یک سال مال و اموال زیادی از جمله خانه‌ای چند طبقه و خودرو به دست آورده که معلوم نیست چگونه آن را خریداری کرده است. بعد از قتل پسرش هم به همسرش رضایت داد و از قصاص او گذشت کرد فکری نمی‌کنیم او در ماجرای قتل پسرش با متهم دست داشته است. سپس نرگس به‌عنوان متهم به قتل عمد به جایگاه رفت و با رد اظهاراتش در مرحله بازرسی گفت: من متوجه شدم که جسد متعلق به کوروش است و من یک گونی داخل حیاط دیدم که چند قطره خون هم کنارش ریخته بود. از مادر شوهرم پرسیدم که داخل گونی چیست او هم اظهار بی‌اطلاعی کرد. وقتی داخل آن را نگاه کردم و لباس‌های جسد را دیدم متوجه شدم که جسد متعلق به کوروش است و من هم آن را سر کوچک گذاشتم. در ادامه قاضی از او پرسید شما در اعترافات اولیه اتهام قتل را پذیرفته بودی که متهم جواب داد: من تحت فشار روانی چنین اظهاراتی را بیان کردم و اتهام قتل را قبول ندارم. در پایان جلسه قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

## مرگ هولناک دوجوان در سقوط از پل صدر



**گروه حوادث /** دو پسر جوان که همراه دختری سوار بر خودروی پژو ۲۰۷ در حال عبور از پل صدر بودند بر اثر سقوط از بالای پل جان باختند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۷:۰۰ بامداد چهارشنبه خبر سقوط یک دستگاه خودرو پژو ۲۰۷ در مسیر بزرگراه صدر، در قسمت انتهایی بلوار قیصریه که از طریق یک رمپ به سمت صدر شرق منتهی می‌شود به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران اطلاع داده شد.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی گفت: خودرو با ۳ سرنشین دو مرد ۱۷ و ۱۸ ساله و یک خانم در مسیر غرب به شرق طبقه اول بزرگراه در حرکت بودند که به دلیل نامشخص این خودرو از مسیر اصلی منحرف و پس از برخورد با گارد ریل‌های محافظ بزرگراه خودرو به پایین بزرگراه سقوط کرد. ۳ سرنشین این خودرو از داخل خودرو به بیرون پرتاب شده و در میان گارد محافظ بزرگراه و آهن آلات گارد ریل‌ها گرفتار بودند که آتش‌نشانان همزمان با خاموش کردن آتش، این افراد را از میان گارد ریل‌ها خارج کردند اما ۲ پسر جوان به دلیل شدت جراحات وارده در دم جان باخته و سرنشین دیگر این خودرو که یک خانم بود به دلیل شدت جراحات به مرکز درمانی منتقل شد.

## در نشست خبری رئیس پلیس آگاهی پایتخت اعلام شد

# از دستگیری همدست زورگیر اتوبان نیایش تا سارق خودروهای شاسی بلند

**گروه حوادث /** رئیس پلیس آگاهی پایتخت از دستگیری همدست زورگیر بزرگراه نیایش و همچنین بازداشت سه متهم دیگر در پرونده سرقت از صندوق امانات بانک ملی خبر داد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح دیروز سرهنگ علی ولیپور گودزی در نشست خبری خود با بیان اینکه جرایمی که امنیت مردم را هدف قرار داده است مهم‌ترین اولویت ماست، گفت: با راه‌اندازی گشت‌های ویژه پلیس در حوزه جرایم خشن از این پس با مجرمان در صحنه برخورد خواهیم کرد و قضات ویژه‌ای نیز برای پرونده‌های جرایم خشن در نظر گرفته شده است تا این مجرمان را به اشد مجازات برسانند. وی در ادامه از دستگیری همدست زورگیر بزرگراه نیایش خبر داد و گفت: همدست این متهم پس از تعقیب و مراقبت‌های فراوان سرانجام دستگیر شد و برای ادامه رسیدگی در اختیار دادرسی قرار گرفت.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: در جرایم زورگیری، سرقت به عنف و قاپ‌زنی از اول سال افزایش وقوع داشته‌ایم اما در چند روز اخیر ۵ درصد سرقت‌های به عنف کاهش یافته است و بالای ۷۰ درصد جرایم بویژه جرایم جنایی در تهران بزرگ کشف می‌شود.

وی با اشاره به اینکه گشت‌های ویژه و دستگیری باندها بر کاهش جرم تأثیر دارند، گفت: به‌عنوان مثال یک باندها از افغانستانی‌ها به تازگی دستگیر شده‌اند که قاپ‌زنی می‌کردند و هر جا مالباخته مقاومت می‌کرد از سلاح سرد استفاده می‌کردند.

هر فردی که در سرقت، سلاح به دست داشته باشد مصداق مجاربه است و دستگاه قضا این افراد را به اشد مجازات می‌رساند.

رئیس پلیس آگاهی پایتخت با بیان اینکه بیش از صد درصد جرایم جنایی در تهران کشف می‌شود، گفت: روز گذشته ۱۰ نفر زورگیر و قاپ‌زن که در قالب ۳ تیم فعالیت می‌کردند دستگیر شدند و تعداد زیادی تلفن همراه و اموال مسروقه از این افراد کشف شده است. این افراد علاوه بر سرقت به مردم هم صدمه می‌زدند. وی با اشاره به برنامه‌های پلیس آگاهی تهران بزرگ در هفته فراجا گفت: اداره مبارزه با مالخران در هفته فراجا افتتاح می‌شود و بی‌شک یکی از ادارات قوی پلیس آگاهی این اداره خواهد بود.

**خرید ملک با پول‌های مسروقه صندوق امانات بانک ملی**

ولیپور گودزی با اشاره به اینکه بعد از سرقت صندوق امانت بانک ملی و برخورد قاطع پلیس با سارقان تا به این لحظه سرقت از بانک در تهران بزرگ نداشته‌ایم، گفت: در پرونده صندوق امانات بانک ملی متهمان جدیدی در زمینه جابه‌جایی اموال (مالخر) شناسایی و دستگیری شدند که در شمال کشور پنهان شده بودند.

این سه نفر ۳۰ میلیارد تومان از اموال مسروقه صندوق امانت بانک ملی را از سارقان گرفته بودند و با آن در



**دستگیری همدست سارق بزرگراه نیایش**

پسر ۱۷ ساله که به همراه عماد -سارق محکوم به اعدام- در ماجرای زورگیری بزرگراه نیایش نقش داشت درباره این پرونده گفت: خواهرم بیماری صرع داشت و هزینه

عملش ۶۰ میلیون تومان بود. اما توانایی پرداخت این هزینه را نداشتم. به دنبال راهی برای فراهم کردن این پول بودم که عماد پیشنهاد سرقت را مطرح کرد. می‌گفت اگر می‌خواهی پولدار شوی این بهترین راه است. آنقدر گفت که وسوسه شدم و تصمیم به سرقت گرفتم.

**در سرقت‌ها نقش تو چه بود؟** من راکب موتور بودم و عماد قمه به‌دست داشت. اولین بار خودرویی را پشت چراغ قرمز انتخاب کردیم اما وقتی خواستیم سرقت کنیم سبز شد و سرقت اول ناموفق ماند. اما بعد در ترافیک موفق شدیم گوشی خانم جوانی که راننده پژو ۲۰۶ بود را بزنیم.

**با اموال سرقتی چه می‌کردی؟** مالخری به نام بصیر داریم که سردرسته باندها است. بصیر به ما گفت چکار کنیم و گوشی‌های سرقتی را هم به بصیر می‌دادیم.

**سه‌مات از سرقت چقدر بود؟** گوشی را ۳ تا ۴ میلیون تومان می‌فروختیم، البته سهم عماد بیشتر بود، چون قمه را او به‌دست می‌گرفت و

سرقت را انجام می‌داد، می‌گفتند کارش سخت‌تر است و استرسش بیشتر است.

**هزینه عمل خواهرت را پرداخت کردی؟** نه، هر چه پول از این کار به دستم آمد خرج تفریح و خوشگذرانی کردم.

**از جریان انتشار فیلم سرقت باخبر شدی؟** من فیلم را ندیدم، اما چند روز بعد دوستانم از ماجرای فیلم صحبت کردند و آن موقع فهمیدم که فیلم ما در اینترنت منتشر شده است. به صفا دشت فرار کردم و در آنجا پنهان شدم که پلیس دستگیرم کرد.

**می‌دانی حکم همدستت اعدام است؟** بله الان خیلی می‌ترسم و می‌دانم مجازات سنگینی در انتظار من است.

**سارقی که عاشق بازیگری بود** ۳۹ سال دارد و تاکنون ۴ بار بازداشت شده است و هر بار بلافاصله بعد از آزادی از زندان، سرقت‌ها را آغاز می‌کند. او معتقد است سرقت خودروهای شاسی بلند و گوشی‌های تلفن همراه را به خاطر تبحر و استعدادی که در بازیگری دارد می‌تواند بخوبی انجام دهد.

**سرقت‌ها را چطور انجام می‌دادی؟** کدام یکی؟ خودروهای شاسی بلند یا گوشی‌های تلفن همراه!

من سوزنه‌ها یا بهتر بگویم طعمه‌هایم را در سایت‌های فروش شناسایی می‌کردم. ابتدا به سراغ آنهایی می‌رفتم که کلیه فروش خودرو در سایت داده بودند. من عاشق خودروهای شاسی بلندم و از آنجایی که توانایی خرید این خودروها را نداشتم، با کت و شلوار اتو کشیده و شیک به محل قرار با فروشندگان خودروهای شاسی بلند می‌رفتم و به بهانه بررسی خودرو، سوار ماشین شده و آن را سرقت می‌کردم.

**صاحبان خودروها، براحتی خودرویشان را در اختیار می‌گذاشتند؟** من از بچگی عاشق بازیگری بودم و همیشه دلم می‌خواست بازیگر شوم. استعدادش را داشتم، به همین دلیل به قدری نقش پولدارها را خوب بازی می‌کردم که همه به من اعتماد می‌کردند.

**با خودروهای سرقتی چه می‌کردی؟** در خیابان‌ها دور دور می‌زدم و بعد از یک هفته با صاحبانشان تماس می‌گرفتم. با این ترغیب که خودرو را پیدا کردم و مزدگانی می‌خواهم درخواست ۲۰ تا ۵۰ میلیون می‌کردم. حتی در مورد آخر چون صاحب خودرو پول نداشت قرار شد قسطی پول را واریز کند.

**گوشی‌ها را چطور سرقت می‌کردی؟** مالباخته‌ها را در سایت فروش گوشی شناسایی می‌کردم و با همان خودروی شاسی بلند سرقتی و کت و شلوار شیک راهی محل قرار شده و وقتی گوشی را از فروشنده می‌گرفتم به بهانه اینکه هوا گرم است بقیه صحبت‌ها را در خودرو انجام دهم سوار خودرو می‌شدم و قبل از اینکه فروشنده سوار شود فرار می‌کردم. البته گوشی‌های مدل بالا به غیر از آیفون را سرقت می‌کردم چون آیفون در درس دارد و امنیتش بالاست.